

پرونده

تبارشناسی سوگ در ادیان

یکسان دلان بی سوگ

رسانه شیعه

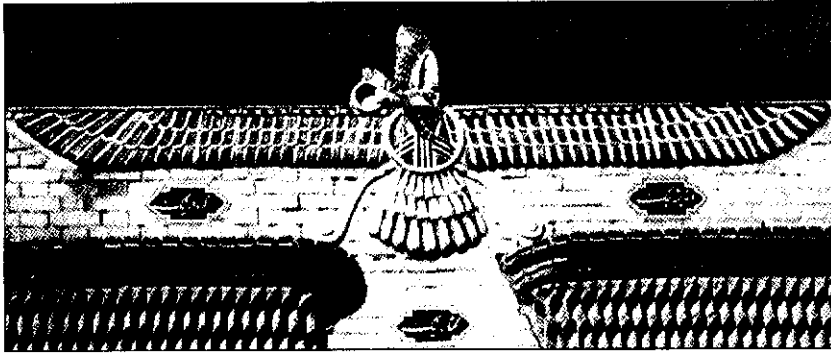
خطاکاری انسان، عشق بی پایان، قضاوت الهی

عشق ناخودگرایانه

سرباز حقیقی اهورامزدا

سوگواران یهوه





باور آیین زرتشت در سوگ از دست رفتگان

سرباز حقیقی اهورامزدا و ستایش زندگی

دکتر فرزانه گشتاسب

کرده‌اند، اما آنهایی که آسانتر (می‌گذرند) آنهایی هستند که کمتر (این کار را) کرده‌اند. به جهانیان بگو. شما که در گیتی (هستید) شیون و مویه و گریه خلاف قانون می‌کنید، چه این چند بدی و سختی به روان درگذشتگان شما رسد» (۷)
در کتاب صد در نثر نیز توصیه می‌شود که وقتی «کسی بدان جهان شود دیگران یا نشاید که گریستن کنند و اندوه دازند و شیون و مویه کنند، چرا که هر اشک از چشم شود، آن روزی شود پیش چیفودیل و ...» (۸)
این باور زرتشتیان به دو اصل مهم بازمی‌گردد:

نخست اینکه در دین زرتشتی، شادی یکی از مهمترین بخش‌های اهورامزدا برای انسان است و به او این توان را می‌دهد تا در مقابل نیروهای بدی که ویژگی دورن آمیختگی است بایستد (۹). در کتیبه‌های هخامنشیان، یکی از موهبت‌های اهورامزدا، آفرینش شادی برای انسان، (از موهبت‌های اهورامزدا) است و همه این‌ها در حالی است که گفته‌های خود پیامبر درگاهان سرچشمه اصلی چنین باوری است.

در مقابل، گریه و شیون، از آنجا که انسان را در غم و اندوه فرو می‌برد و شادی این ابزار ایزدی را از او می‌ستاند بسیار ناپسند شمرده می‌شود. در مینوی خرد شیون و مویه به عنوان یکی از دلایل ناشادشدن زمین ذکر شده است (۱۰). و در اوستا این اهریمن برمرگ است که اشک چشم و ماتم را برای مردمان پدید می‌آورد. (۱۱)

دوم اینکه باور زرتشتی در مورد انسان این است که او آگاهانه و برای از بین بردن بدیها، پا به این جهان مادی گذارده است. بازتاب این تفکر در اساطیر زرتشتی دیده می‌شود. در کتاب بندهشن که شرح اسطوره آفرینش است، هرمزد از فروهر مردمان می‌پرسد که آیا مایلند به صورت ماری آفریده شوند تا با دروج بجنگند و او را نابود سازند؛ و فروهرهای مردمان به کمک خرد همه آگاه چنین تصمیم می‌گیرند که به جهان بیایند و بدی را برای همیشه نیست و نابود سازند. (۱۲)

این دو اصل شاید مهمترین بن‌مایه‌های فکری زرتشتی است که رنگ ماتم و شیون را از آئین‌های ویژه درگذشتگان می‌زداید. یک فرد زرتشتی به این خوشکاری باور راستین دارد که او سرباز حقیقی اهورامزدا است و بنابراین در جهان وظیفه دارد تا آنجا که می‌تواند برای گسترش نیکی و از بین بردن بدی بجنگد و تلاش کند. آنچه مهم است ستایش زندگی و برقراری و دوام زندگان است. چون با زندگی است که می‌تواند نیکی را بر هستی مادی دنیوی حاکم کرد. پس بر شخص درگذشته نباید برخلاف قانون، یعنی به افراط و بیش از اندازه گریست، چه نعتها سودی به حال روان رفتگان نخواهد داشت بلکه سبب آسیب رساندن به زندگی و زندگان خواهد شد و نباید ماتم گرفت، روی خراشید و شیون کرد زیرا شیون و ماتم نیز همانند مرگ اهریمنی و بد است، بلکه به جای آن باید برای آنان دعا کرد، نیایش خواند، به داد و دهش و خیرات پرداخت. با

واژه «سوگ» واژه‌ای ایرانی است که در فارسی دری به معنی «ماتم، اندوه، غم و مصیبت» (۱) است. در نوشته‌های فارسی میانه زرتشتی، سوگ به این معنا به کار نرفته است، اما در متون دیگر فارسی میانه مانند سغدی و پارتی مانوی (۲)، کاربرد واژه «سوگوار» را به معنی «اندوهگین» می‌توان دید. (۳). اشتقاق این واژه به احتمال قوی از ریشه اوستایی Saok می‌باشد که گرچه در اوستا تنها به معنی «سوختن» به کار رفته است، اما در زبان خواهر اوستا یعنی سنسکریت دارای معنای «سوگواری کردن، ماتم گرفتن» نیز می‌باشد. (۴)

این واژه احتمالاً واژه‌ای آیینی بوده و بر آدابی اطلاق می‌شده که در مراسم درگذشتگان انجام می‌گرفته است. تصویرهایی از مراسم سوگواری در سغد و مرو به دست آمده است که نشان می‌دهد این آئین قدمتی دیرین دارد؛ پژوهشگرانی هستند که کانون این آئین‌ها را آئین سوگواری برای سیاوش دانسته‌اند که تاریخ آن به دوره پیش از زرتشت می‌رسد. (۵)

در واقع هدف مشترک تمامی آئین‌های پس از مرگ، کاستن تلخی و ناگواری حادثه از دست دادن وجودی است که پس از او، بازماندگان باید به نحوی فقدان حضور او را بپذیرند. اما تفاوتها و گوناگونی این آئین‌ها به تفاوت و گوناگونی در باورها و اعتقادات هر قوم باز می‌گردد که در تلاطم گذر زمان و با تأثیرگیری از دین، فرهنگ و تمدن آن قوم شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند.

دربارۀ زرتشتیان، همانطور که اشاره شد، در نوشته‌های فارسی میانه زرتشتی واژه «سوگ» به معنی «ماتم و اندوه» به کار نرفته است، شاید به این دلیل که این واژه بر آئین‌هایی اشاره داشته که با باورهای زرتشتی در مورد آئین‌های پس از مرگ مغایرت داشته است. زرتشتیان امروز ایران نیز، ماتم گرفتن و گریستن بسیار را پس از مرگ عزیز از دست رفته، ناپسند می‌دانند و معتقدند همچون آبی سیاه سر راه روان را گرفته و حرکت روان را در جهان مینو سخت و دشوار می‌سازد. (۶) این باور ایشان را که ریشه در اعتقادات پدرانشان دارد، می‌توان در نوشته‌های فارسی میانه زرتشتی پی‌گیری نمود: «پس سروش اهلو و ایزد آذر دست مرا گرفتند و از آنجا فراتر رفتم، جایی فراز آلام دیدم رودی بزرگ، پرزور و تاریک (چون) دوزخ که روان فروهران بسیار در آن رود بودند. بودند (کسانی) که نمی‌توانستند بگذرند، (کسانی) که با رنج گران می‌گذشتند و بودند کسانی که به آسانی می‌گذشتند و پرسیدم: «این کدام رود و این مردم کیستند که این چنین در رنج هستند؟» سروش اهلو و ایزد آذر گفتند: «این رود، آن اشک بسیاری است که مردمان از پس درگذشتگان از چشم می‌ریزند و برای درگذشتگان شیون و مویه و گریه می‌کنند، آنان خلاف قانون اشک می‌ریزند و به این رود افزوده می‌شود، آنان که نمی‌توانند بگذرند، آنهایی هستند که از پس درگذشته شیون و مویه و گریه بسیار

این اعمال می‌توان روان درگذشتگان را نیرومندتر و تواناتر ساخت تا بیشتر به مردمان گیتی یاری و سود رسانند. (۱۳)

امروز، در سستی که به زرتشتیان رسیده است، سرودن نیایش و دعا برای آموزش روان، تا چهار روز پس از مرگ ادامه می‌یابد و سپس در مراسم پُرسه (۱۴) و روزهای دهم و سی‌ام و هفتمین روز در پایان هر ماه تا یکسال، تکرار می‌شود. پس از پایان سال اول، فقط در سالروز درگذشت، مراسم «سال» برگزار می‌شود.

یکی از ویژگیهای این مراسم‌ها این است که خویشاوندان، نزدیکان و دوستان از پوشش سفید استفاده می‌کنند. ویژگی دیگر آنها، تهیه خوراکیهای آیینی است که از تمامی آنها ظرفی نیز بر سر سفره‌ای که به هنگام نیایش خوانی گسترده می‌شود، می‌نهند. اکثر این خوراکیها، دستورالعملی ساده دارند و بوسیله موادی که خویشاوندان و دوستان با خود همراه می‌آورند تهیه می‌شود. (۱۵) همچنین در برخی از خوراکیها، از موادی مانند سیر، سداب، گلاب، قهوه و شکر استفاده می‌شود که خاصیت آرامش‌بخشی و دارویی دارند. (۱۶)

بردن نور و روشنایی در مراسم سی روزه و سال به خانه درگذشتگان، از رسوم دیگری است که هنوز هم در بعضی قسمت‌های یزد اجرا می‌شود. این رسم که به نام «شمع و منگری» معروف است به این صورت بوده که خویشاوندان و آشنایان نزدیک، در یک سینی بزرگ مسی به نام منگری تعدادی شمع (احتمالاً سی عدد) یا چراغ روشن می‌کردند و با خواندن شعر و نواختن عربونه (۱۷) آن را به خانه فرد درگذشته می‌بردند. و عقیده بر این بوده است که با بردن نور به خانه‌ای که در آن کسی از دنیا رفته است، راه را برای روان آن فرد روشن می‌کنند. زیرا همانطور که اشاره شد، ارتباط زندگان با روان درگذشتگان

هیچگاه با مرگ از بین نرفته و این اعتقاد به حضور و یاری آنان، بهترین تسلی‌بخش بازماندگان محسوب می‌شده است. جدا از همه رسومی که ذکر شد، مناسبت‌های دیگری نیز وجود دارد که زرتشتیان به یاد فروهرهای تمامی درگذشتگان، گردهم می‌آیند. یکی از این مناسبت‌ها جشن فرورانیگان است که در روز فروردین از ماه

فروردین (مطابق تقویم شمسی، نوزدهم فروردین ماه) برگزار می‌شود. در این روز زرتشتیان بر سر خاک درگذشتگان خویش رفته، شمع روشن می‌کنند، نیایش می‌خوانند و خیرات می‌کنند.

جشن دیگر به نام «پنجه بزرگ و کوچک» معروف است که در ده روز پایانی سال برگزار می‌شود. عقیده بر این است که در این ده روز فروهرهای درگذشتگان به نزد بازماندگان زمینی خویش می‌آیند به همین دلیل در این روزها نیز مراسم نیایش و خیرات برگزار گردیده و در آخرین روز از این جشن، مراسم آتش‌افروزی بر پشت‌بام‌ها انجام می‌گیرد تا همانطور که پیش از این ذکر شد راه را برای روان درگذشتگان روشن کند.

می‌بینیم که در دین زرتشتی، انجام این مراسم‌ها با تمامی ویژگیهایی که نام برده شد، جای آئین‌های سوگواری را در اقوام دیگر گرفته است و در تمامی این مراسم‌ها تلاش بر این است که روان درگذشتگان در آرامش و شادی قرار گیرد تا بازماندگان نیز از بهره این آرامش و شادی برخوردار گردند و بتوانند خویشکاری‌های خود را درین جهان مادی به بهترین نحو به انجام برسانند.

و اینکه روان تمامی درگذشتگان پارسا شاد و بهشت برین جایگاهشان باد.

یادداشت‌ها

۱- فرهنگ دهخدا، جلد ۲۴، صفحه ۷۲۱

۲- وقتی از دوره میانه زبانهای ایرانی سخن به میان می‌آید منظور دوره‌ای است که از پایان پادشاهی هخامنشیان آغاز و تا سال ۸۶۷ میلادی برابر ۲۵۴ هجری یعنی سالی که زبان فارسی دری رسمیت یافت،

ادامه می‌یابد. زبانهای ایرانی میانه را به دو گروه ایرانی میانه شرقی و ایرانی میانه غربی تقسیم می‌کنند.

گروه ایرانی میانه شرقی شامل زبانهای سغدی، خوارزمی، بلخی، ختنی است که در شرق ایران رایج بوده‌اند.

گروه ایرانی میانه غربی شامل ۲ گروه زبان پهلوی اشکانی یا پارتی و پهلوی ساسانی یا فارسی میانه است به زبانی که نوشته‌های زرتشتی دوره میانه بدان نوشته شده اصطلاحاً «فارسی میانه زرتشتی» می‌گویند و به زبانی که نوشته‌های پارتی یا پهلوی اشکانی مانویان بدان نوشته شده اصطلاحاً «پهلوی اشکانی مانوی» یا «پارتی مانوی» گفته می‌شود. (تاریخ مختصر زبان فارسی، ص ۴۴ - ۳۵)

۳- فرهنگ سغدی، ص ۳۲۴

۴- فرهنگ سنسکرت - انگلیسی، ص ۱۰۸۱

۵- تاریخ ایران، ص ۵۶۱ - ۵۵۹

۶- نقل شفاهی یکی از زرتشتیان

۷- ارداویراف نامه، فصل ۱۶، ص ۶۲

۸- صدر نثر، در نود و ششم، ص ۶۵

۹- بندهشن فرنیغ دادگی، ص ۴۰

۱۰- مینوی خرد، پرسش پنجم ص ۲۹

۱۱- وزیداد فرگرد یکم، بند ۹

۱۲- بندهشن فرنیغ دادگی، ص ۵۰

۱۳- «نیایش برای درگذشتگان»، ص ۳۷۲

۱۴- هموطنان غیرزرتشتی این مراسم را «ختم» می‌نامند، البته مردم شیراز واژه «پُرسه» را برای این مراسم به کار می‌برند، علاوه بر این شیرازیها مراسم روز سی‌ام درگذشت را نیز برگزار می‌کنند. (با تشکر از دوست گرامی، خانم شهلا محلاتی). زرتشتیان مراسم پرسه را معمولاً در بعد از ظهر روز

سوم برگزار می‌کنند. (آئین کفن و دفن زرتشتیان، ص ۵۴)

۱۵- در بین عشایر ایران نیز چنین رسمی رایج است که در لرستان به این هدایا «پُرسونه» می‌گویند (آئین‌های گذر در ایران، ص ۱۲۶)

۱۶- «خوراکهای آیینی و سستی زرتشتیان»، ص ۶۳۵

۱۷- عربونه یا عربانه در لهجه زرتشتیان به معنی دایره یادف است.

منابع:

۱- ابوالقاسمی، محسن، تاریخ مختصر زبان فارسی، تهران، ۱۳۷۳

۲- آذرگشسب، موبد اردشیر، آئین کفن و دفن زرتشتیان، تهران، ۱۳۴۸

۳- اسدیان، محمد، آئین‌های گذر در ایران، تهران، ۱۳۸۳

۴- بهار، مهرداد، بندهشن فرنیغ دادگی، تهران، ۱۳۶۹

۵- تفضلی، احمد، مینوی خرد، تهران، ۱۳۷۹

۶- ژنیو، فیلیپ، ارداویراف نامه، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران، ۱۳۸۲

۷- سروشیان، مهوش، «خوراکهای آیینی و سستی زرتشتیان در ایران»، سروش پیرمغان (یادنامه جمشید سروشیان) به کوشش کتابیون مزداپور، تهران، ۱۳۸۱، ص ۶۶۲ - ۶۲۹

۸- قریب، بدرالزمان، فرهنگ سغدی، تهران، ۱۳۷۴

۹- مزداپور، کتابیون، «اساطیر مرگ در کیش زرتشتی»، زنده رود، شماره ۳۳ و ۳۴ زمستان ۸۳ و بهار ۸۴، ص ۳۰ - ۱۳

۱۰- «نیایش برای درگذشتگان»، سروش پیرمغان (یادنامه جمشید سروشیان) به کوشش کتابیون مزداپور، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۸۰ - ۳۶۶

۱۱- یازشاطر، احسان، تاریخ ایران - از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (جلد سوم - قسمت اول)، ترجمه حسن انوشه، تهران، ۱۳۸۳

Monier - Williams, m., Sanskrit-12 English Dictionary, Oxford, 1947

یک فرد زرتشتی به این خویشکاری باور راستین دارد که او سرباز حقیقی اهورامزدا است و بنابراین در جهان وظیفه دارد تا آنجا که می‌تواند برای گسترش نیکی و از بین بردن بدی بجنگد و تلاش کند

